

Examining the role of religious authorities in promoting the culture of Waqf (A case study of Ayatollah Sayyed Abulqasem Khoei)

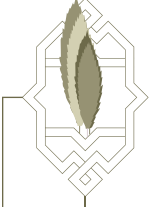
Sayyed Mahmood tabatabaey*

Abstract

From the beginning, the religion of Islam tried to confirm the cultures left over from human societies, which were mostly derived from monotheistic religions and had been able to maintain their function over time, and to give it an Islamic religious color. Among these cultures, the Waqf culture was approved and emphasized by Islam; In such a way that both the great Prophet of Islam and the infallible imams, in order to propagate and promote this culture, created Moqfat that have been followed many times by Muslims throughout history. Islamic scholars, following the Holy Prophet and the Infallible Imams (peace be upon them) and also for the development of Islamic culture and civilization, created various Moqfat with various functions for the welfare of the Islamic society ; but since they had a divine intention in this direction, there has been less mention of their Moqfat. In this article, using library and document study and field observations, we intend to express the role of Grand Ayatollah Sayyed Abul Qasem Khoei in creating Moqfat and in the direction of expanding scientific, cultural and social services in the Islamic society.

Key words: Waqf, Moqufe, Ayatollah Khoei, Iran.

*. Master of Islamic Studies and The fourth level of Qom seminary



دراسة دور المرجعيات الدينية في نشر ثقافة الوقف (دراسة حالة آية الله السيد أبو القاسم الخوئي «رضي الله عنه»)

سيد محمود طباطبائي

الخلاصة

منذ بزوغ فجر الاسلام حاول الدين الإسلامي تأكيد الثقافات المتبقية من المجتمعات البشرية و التي استمد معظمها من الديانات التوحيدية و استطاعت أن تحافظ على وظيفتها عبر الزمن و إكسابها اللون الديني الإسلامي. و من بين هذه الثقافات فقد أقر الإسلام ثقافة الوقف و شدد عليها بحيث قام نبي الإسلام الأعظم؛ ص؛ و الأئمة المعصومين؛ عليهم؛ من أجل نشر و تعزيز هذه الثقافة، بإنشاء أوقاف أنشأها المسلمون مرات عديدة عبر التاريخ.

كما أنشأ علماء الإسلام أوقافاً مختلفة ذات وظائف مختلفة لرفاهية المجتمع الإسلامي بناءً على اقتراح النبي الاكرم؛ ص؛ و الأئمة المعصومين (عليهم السلام) و أيضاً لتطوير الثقافة و الحضارة الإسلامية و قلما ورد ذكر أوقافهم

في هذا المقال، و من خلال الدراسة المكتبية و الوثائقية و المشاهدات الميدانية، نهدف إلى التعبير عن دور آية الله العظمى السيد أبو القاسم الخوئي في إنشاء الأوقاف بما يتوافق مع توسع الخدمات العلمية و الثقافية و الاجتماعية في المجتمع الإسلامي.

الكلمات المفتاحية: الوقف، الموقوفات، آية الله الخوئي، إيران

بررسی نقش مراجع دینی در ترویج فرهنگ وقف (مطالعه موردی آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی^{ره}؟)



سید محمود طباطبایی*

مقاله پژوهشی

چکیده

دین اسلام، در طلیعه خود، سعی بر آن داشت تا فرهنگ‌های بجا مانده از جوامع انسانی، که اکثراً برگرفته از ادیان توحیدی بودند و توانسته بودند در طول زمان کارکرد خود را حفظ نمایند، تأیید نماید و صبغه دینی اسلامی به آن ببخشد. از میان این فرهنگ‌ها، فرهنگ وقف نیز مورد تأیید و تأکید اسلام قرار گرفت به گونه‌ای که هم پیامبر عظیم‌الشأن اسلام و هم ائمه معصومین، جهت تبلیغ و ترویج این فرهنگ، موقوفاتی را ایجاد کردند.

علمای اسلام نیز به تاسی از پیامبر اکرم و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و همچنین در جهت توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی، اقدام به ایجاد موقوفات مختلفی با کارکردهای گوناگون در جهت رفاه جامعه اسلامی نمودند؛ ولی از آن جایی که در این مسیر، دوست نداشتند مطرح شوند تا ارزش معنوی کارشان حفظ شود، کمتر اشاره‌ای به موقوفات ایشان شده است.

در این مقاله با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و مشاهدات میدانی، برآنیم که نقش حضرت آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خویی، به‌عنوان یکی از مراجع مهم جهان تشیع را در ایجاد موقوفات و در راستای گسترش خدمات علمی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه اسلامی را بیان کنیم.

واژگان کلیدی: وقف، موقوفه، وقف‌نامه، آیت‌الله خویی، ایران، عراق

۱. کارشناس ارشد معارف اسلامی و سطح چهارم حوزه علمیه قم
Seyed.135@gmail.com



مقدمه

با توجه به منابع مکتوب، آنچه در نگاه اول به ذهن پژوهشگران متبادر می‌شود آن است که ایجاد موقوفات بزرگ و کارآمد همچون مساجد و مدارس و بیمارستان‌ها در تمدن اسلامی بیشتر توسط پادشاهان و امرا انجام می‌شده است. چنانچه بیمارستان‌هایی همچون بیمارستان اخشیدی، بیمارستان عضدی در قرن سوم و چهارم، سلسله مدارس دینی به نام نظامیه در قرن پنجم و مجموعه بازارها و مساجد و حمام‌ها و مدارس دینی در قرن دهم و یازدهم، همه و همه به همت پادشاهان و وزرای ایشان انجام شده و اگر گاهاً افراد دیگری نیز اقدام به ایجاد موقوفه کرده‌اند در مقیاس با پادشاهان و امرا ناچیز به‌شمار می‌آید.

آنچه حائز اهمیت می‌باشد این است که در تمامی این دوران که این موقوفات عظیم ایجاد شده، نقش علما غیر قابل انکار است. به‌گونه‌ای که اکثر پادشاهان و امرا، به اشارت علمای دوران خود سعی در ایجاد چنین موقوفاتی داشته‌اند و یکی از مهم‌ترین اهداف ایشان کسب مشروعیت دینی از این طریق بوده است. چنانچه شاهدیم شاه عباس اول با راهنمایی شیخ بهایی موقوفات زیادی ایجاد کرد و شاه سلطان حسین نیز اساس ایجاد مدرسه سلطانی را تدریس علمای آن دوران در این مکان قرار داده بود.

بالطبع علمای شیعی نیز به تاسی از ائمه نیز موقوفات زیادی احداث نموده و در این میان سهم بسزایی در تمدن اسلامی داشته‌اند ولی از آن‌جا که کمتر تمایل داشتند اسمی از خود به جا بگذارند و قربت عمل خویش را بالاتر از کتیبه‌نگاری و تفاخر بر مردم می‌دانستند کمتر نامی از آنها در تاریخ ماندگار شده است. از طرفی اکثر ایشان، به دلیل زهد در زندگی کمتر از اموال دنیوی متنعم بودند که بخواهند موقوفاتی عظیم همچون پادشاهان داشته باشند.

در این میان نیز وقف‌نامه‌هایی از علمای شیعه وجود دارد که عظمت موقوفات ایشان و همچنین نیاز سنجی جامعه در دید ایشان را بیان می‌دارد. گونه‌شناسی این موقوفات بازگو کننده این مطلب است که این عالمان علاوه بر تدریس در مراکز دینی، سعی داشته‌اند در حد بضاعت خود، در وهله اول مشکلات طلاب در مسیر علم آموزی و پس از آن مشکلات جامعه اسلامی را مرتفع سازند. در این بین آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، از جمله علما و مراجعی است که با توجه به شرایط حساس دوران خود، سعی در ایجاد موقوفات گسترده

در ایران و عراق داشت تا هم بتواند پشتوانه علمی فرهنگی خوبی برای شیعیان به وجود بیاورد و هم بتواند با استفاده از این نهاد، مشکلات جوامع شیعی را تا حد ممکن مرتفع سازد.

۱. پیشینه پژوهش

گستره موقوفات آنقدر زیاد است که دسته‌بندی پژوهشی آن کار بسیار دشواری خواهد بود و می‌توان گفت در هر پژوهشی که در مورد موقوفات صورت گرفته‌است به واقفان آن که بعضاً نیز از علما بوده‌اند اشاره شده است. ولی اگر بخواهیم به صورت مستقل به پژوهش‌هایی که به موقوفات عالمان یا عالمان واقف اشاره کرده باشد بپردازیم کمتر مقاله و رساله‌ای را خواهیم یافت. با این حال پژوهش‌هایی موجود است که مستقلاً به بحث عالمان واقف پرداخته است. سید احمد سجادی در مقاله‌ای با عنوان «عالمان واقف»، که در شماره ۷۰ فصل‌نامه وقف میراث جاویدان در تابستان سال ۱۳۸۹ منتشر شده است، سعی نموده جریان‌سازی ایجاد موقوفات توسط عاملان دینی را مطرح کند. اگرچه نویسنده در این مقاله تبیین بسیار خوبی انجام داده و مطالب ذی‌قیمتی را مطرح نموده است، ولی چنانچه از محتوای مقاله برداشت می‌شود، ظاهراً قرار بوده این مقاله امتداد داشته، و دوره‌های مختلف تاریخی و موقوفات عالمان دیگر را نیز تبیین نماید که ظاهراً ادامه پیدا نکرده است.

پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع «بررسی روند وقف در بیمارستان‌های اصفهان از انقلاب مشروطه تاکنون»، پژوهش سید مصطفی طباطبایی با راهنمایی دکتر اصغر منتظرالقائم در سال ۱۳۹۱ در گروه تاریخ دانشگاه اصفهان انجام شده است. در این رساله نویسنده به مراکز خدمات درمانی موقوفه اصفهان پرداخته و در این بین به عالمانی که در این مسیر فعالیت داشته‌اند اشاره کرده است.

محمد محمدزاده نیز، کتاب با عنوان «موقوفات الرجال» در شرح احوال علما و موقوفات ایشان نگارش کرده که دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است. در این مجموعه نویسنده سعی بر آن داشته تا موقوفات عالمان را معرفی و تبیین نماید. اگرچه این کتاب از این لحاظ، تاکنون یکی از پژوهش‌های خوب بوده ولی کمتر ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی واقفان را بازگو کرده و بیشتر سعی بر معرفی موقوفات داشته است.



سید مصطفی طباطبایی و غلامرضا عادل، مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر واعظان مجالس حسینی بر ایجاد وقف در گسترش مراکز خدمات درمانی»، در شماره ۱۱۸ فصل‌نامه وقف میراث جاویدان در تابستان ۱۴۰۰ منتشر کرده‌اند. این مقاله اگر چه پژوهشی میدانی و اسنادی است و توانسته تاریخ وقف در شهر اصفهان و بخصوص عالمان واقف در این زمینه را معرفی کند ولی از دو منظر با پژوهش حاضر تفاوت دارد. یکی این‌که در این مقاله تمرکز بر موقوفات خدمات درمانی است و دوم این‌که از لحاظ محدوده جغرافیایی، مطالعه شهر اصفهان صورت پذیرفته است.

۲. ضرورت بحث

عالمان دینی و به‌خصوص مراجع بزرگوار، همواره در تبیین مبانی اسلامی و فقه شیعی مورد رجوع جامعه اسلامی بوده و هستند و به همین علت می‌توان ایشان را از لحاظ تفکر شیعی، مولد فعالیت‌های دینی در جامعه دانست. در این بین این عالمان علاوه بر این‌که مبانی دینی و شیعی را از قرآن و احادیث استخراج کرده و با توجه به شرایط جامعه، در جهت پویایی فرهنگ شیعه این مطالب را برای مردم تبیین می‌کند، خود ایشان نیز جزو اولین عاملان به این معارف هستند. در این بین سنت حسنه وقف که از زمان پیامبر اکرم تاکنون همواره مورد تأیید اسلام و ائمه اطهار بوده و در زمان غیبت نیز، به‌عنوان یکی از مولدهای اقتصادی جامعه شیعی توانسته نقش‌آفرین باشد، به‌عنوان یک موضوع فقهی همیشه مد نظر عاملان بوده و فتاوی مختلف در این زمینه وجود دارد.

به همین دلیل، هنگامی که زندگی مراجع دینی را بررسی کنیم متوجه خواهیم شد که خود ایشان نیز در امر ایجاد موقوفات پیش‌قدم بوده و اهتمام خاصی بر این امر داشته‌اند که بیان این مطالب برای مردم می‌تواند انگیزه‌ای مضاعف در راستای ایجاد موقوفات مختلف داشته‌باشد.

۳. سنخ‌شناسی وقف عالمان

اگر به گونه‌شناسی موقوفات در تمدن اسلامی بنگریم، خواهیم دید که سنخیت موقوفات ارتباط نزدیکی با پایگاه اجتماعی افراد دارد. مثلاً پادشاهان اکثراً بناهای عام المنفعه می‌ساختند و موقوفات عظیمی را برای حفظ و پایداری این بناها ایجاد

می‌کردند همچون مساجد و حمام‌ها و بازارها و کارون‌سراها و غیره؛ مردم عادی بیشتر موقوفات روضه‌خوانی و سقاخانه و موقوفاتی از این دست داشتند و علما نیز موقوفات کتاب و کتابخانه‌ای و بعضاً موقوفات عام‌المنفعه‌ای که کمتر حکومت و دیگران به آن اهتمام داشته‌اند ایجاد می‌کردند. در ادامه به سنخ‌شناسی این موقوفات خواهیم پرداخت.

۳_۱. وقف کتاب

آنچه در بین مطالعات پژوهشگران حوزه وقف بیان می‌شود این است که خیل عظیمی از عالمان دینی کتاب‌های خود، خصوصاً کتب خطی و منحصر به فرد را وقف اماکن و افراد کرده‌اند تا آنان نیز از آنها بهره‌مند گردند. (سجادی، ۱۳۸۹: ۱۲۸؛ حسینی جلالی و امینی، ۱۳۸۱: ۴۷) به هر حال آنها اغلب کتابخانه‌های خصوصی داشته و در نهایت آنها را وقف کرده‌اند. (رفیعی، ۱۳۷۳: ۹۰) هر چند در مواردی، این وقف‌ها خاص و برای اولاد و به دلیل حفظ کتاب‌ها بوده‌است. باید توجه داشته باشیم که برخی از آنها خود اهل تألیف و حاشیه‌نویسی بوده و به دلیل حفظ آثارشان در خانواده، کتاب‌ها را وقف می‌کردند. (جعفریان و جزینی، ۱۳۹۷: ۳۹).

در این مسیر شاهدیم که هنگامی که حکومت با عالمان همراه و هم‌فکر باشد، جهشی عظیم اتفاق می‌افتد و کتاب‌ها و کتابخانه‌های موقوفه عظیمی ایجاد می‌شود. برای نمونه می‌توان به کتابخانه عظیم مدرسه سلطانیه (چهارباغ)، اصفهان اشاره کرد که حاصل این تعامل است و به قولی «تجربه دوپست ساله صفویان درباره وقف کتاب است». (جعفریان، ۱۴۰۱: ۳۰۸)

۳_۲. وقف جهت مدارس علمیه

یکی دیگر از موقوفاتی که علما در تمدن اسلامی و بخصوص از زمان صفویه به بعد ایجاد می‌کردند، وقف برای تأسیس مدارس بوده‌است. فراوانی این‌گونه موقوفات به حدی است که کمتر شهری را می‌توان یافت که این نوع موقوفه در آن وجود نداشته باشد. شاید یکپارچه‌ترین این نوع موقوفات در دوران قبل از صفویه، نظامیه‌ها باشد که توسط عالم دانشمند و وزیر ملک‌شاه سلجوقی، خواجه نظام‌الملک طوسی طراحی و ایجاد شد که از آن به‌عنوان اولین دانشگاه‌ها به سبک امروزی نیز یاد می‌کنند. (کسائی، ۱۳۶۳: ۷۸-۵۵) همچنین از بهترین نمونه‌های این نوع موقوفات از دوران صفوی می‌توان به مدرسه نواب در مشهد مقدس اشاره کرد. این مدرسه در سال ۱۰۸۶ هجری،



توسط ابوصالح رضوی، از اعقاب امام جواد^ع؛ در مشهد مقدس ساخته و موقوفات زیادی برای اداره آن ایجاد شده است (سجادی، ۱۳۸۹: ۱۳۶؛ مدیرشانه‌چی، ۱۳۴۶: ۱۰۵)

۳-۳. وقف جهت مراکز خدمات درمانی

در آموزه‌های اسلامی بیان شده که پیامبر اکرم^ص؛ فرموده‌اند: «العلم علمان، علم الادیان و علم الابدان» (کراجی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۰۷). به همین دلیل در آموزش‌های اسلامی، علاوه بر علوم دینی، علوم پزشکی نیز مورد توجه بوده است. از طرفی توجه به سلامت مردم و نیاز جامعه به مراکز خدمات درمانی، باعث شده که از ابتدای تمدن اسلامی، توجه ویژه‌ای به بیمارستان و مراکز خدمات درمانی بشود. عالمان دینی نیز با توجه به سفارش دین به این امر از یک طرف و از طرفی نیاز جامعه به مباحث درمانی، ایجاد موقوفات جهت مراکز خدمات درمانی را مورد توجه قرار داده‌اند. فراوانی این موقوفات نیز همچون موقوفات مدارس علمیه چنان است که نمونه‌های بسیاری از آن را شاهدیم. در شهر اصفهان بیمارستان خورشید که توسط آقا نورالله اصفهانی و جمعی دیگر از خیرین ایجاد شد و همچنین بیمارستان عسگریه که توسط آیت‌الله محمد باقر زند کرمانی و جمعی از خیرین ایجاد شد را می‌توان از این‌گونه برشمرد (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۵۶ و ۷۷). همچنین بیمارستان فیروز آبادی در تهران از جمله بیمارستان‌های موقوفه است که توسط عالمان دینی ایجاد شده است. (احمدی، ۱۳۸۹: ۶۱)

۴. زندگی‌نامه آیت‌الله خویی

در دوران حاضر، از میان عالمانی که جزو مراجع بزرگ جهان تشیع بودند و در عراق و ایران نیز مقلدان زیادی داشتند، آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی بودند. ایشان از جمله عالمانی بودند که در زمینه ایجاد موقوفات اهتمام ویژه‌ای داشتند و موقوفات بسیاری از ایشان در شهرهای مختلف ایران و عراق موجود است که همچنان نیز منشأ خیر و برکت است. به تحقیق می‌توان گفت موقوفات ایشان از لحاظ گونه‌شناسی، جامع انواع موقوفات علما در طول تاریخ است. یعنی ایشان هم موقوفات کتاب و کتابخانه‌ای دارند و هم موقوفات آموزشی و هم موقوفات خدمات درمانی. در واقع همین امر باعث گردید که نویسنده این مقاله به عنوان مطالعه موردی موقوفات عالمان دینی، به شخصیت اجتماعی این مرجع جهان تشیع بپردازد. ولی از آنجا که

اسناد موقوفات ایشان برای بررسی اسنادی از حجم مقاله علمی بیشتر است سعی بر آن شد که به زندگی‌نامه مختصر از ایشان و معرفی با تلخیص موقوفات ایشان بپردازیم.

آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی زندگی‌نامه خود نوشتی دارد که توسط استاد سید هادی خسرو شاهی ترجمه شده که تلخیص متن آن را در زیر می‌خوانید.

من در شب ۱۵ رجب ۱۳۱۷ هجری در شهر «خوی» - از شهرهای آذربایجان - به دنیا آمدم و در همان‌جا، در کنار پدر و برادرانم پرورش و رشد یافتیم. خواندن و نوشتن و بخشی از مقدمات را به خوبی فرا گرفتم تا این که در مسئله مشروطیت، اختلاف شدید میان مردم آغاز شد و به دنبال آن پدرم در سال ۱۳۲۸ هجری به نجف اشرف مهاجرت نمود و سپس من در سال ۱۳۳۰ هجری، به همراهی برادر بزرگترم مرحوم سید عبدالله خوئی و دیگر اعضای خانواده‌مان به پدر پیوستیم. من به هنگامی که به نجف اشرف - دانشگاه دینی شیعه امامیه - رسیدم به فراگرفتن علوم ادبی و منطق پرداختم و سپس کتاب‌های درسی در زمینه فقه و اصول را در نزد گروهی از بزرگان خواندم که از آن جمله علامه بزرگوار، مرحوم پدرم بود. سپس برای مراحل بالاتر - بحث خارج - در درس بزرگان مدرسین در سال ۱۳۳۸ حضور یافتیم که نام پنج تن از این اساتیدم را ذکر می‌کنم:

- ۱- آیت‌الله شیخ فتح‌الله، معروف به: شیخ الشریعه اصفهانی
- ۲- آیت‌الله شیخ مهدی مازندرانی.
- ۳- آیت‌الله شیخ ضیاء‌الدین عراقی.
- ۴- آیت‌الله شیخ محمد حسین اصفهانی.
- ۵- آیت‌الله شیخ محمد حسین نائینی.

از دو نفر اخیر، در زمینه آموزش فقه و اصول، استفاده بیشتری نموده‌ام، به طوری که سالیان متمادی در نزد هر دو، دوره کامل اصول و چندین کتاب فقه را تلمذ می‌نمودم و در همان زمان، بحث هر یک از دو بزرگوار را بر جمعی از شاگردان حاضر در بحث، که گروهی از افاضل در میان آنها بود، تقریر و بیان می‌کردم. مرحوم نائینی آخرین استاد من بود که همواره در کنار وی بودم. من در مسئله «نقل روایت» مشایخی



دارم که بر من اجازه داده‌اند که از کتاب‌های امامیه و دیگران، از آنها روایت کنم و روی همین اصل من از طرق متعدده، کتاب‌های چهارگانه خودمان - الکافی، الفقیه، التهذیب، الاستبصار - و همچنین کتاب‌های جوامع‌الحديث اخير - الوسائل، الوافی، البحار - و دیگر کتاب‌های اصحاب خودمان را، نقل و روایت می‌کنم. از جمله طرق من در نقل حدیث، اجازه استادم «نائینی»، از استادش «نوری» از طرقی است که در آخر کتابش «مستدرک‌الوسائل» معروف به «مواقع‌النجوم» آورده است و به خاندان عصمت و طهارت، منتهی می‌گردد. من بیشتر به تدریس پرداخته و بحث‌های بسیاری در: فقه، اصول و تفسیر داشته‌ام و گروه بی‌شماری از افاضل طلاب حوزه نجف اشرف را تربیت نموده‌ام. بحث‌های من در فقه، دو دوره کامل بحث خارج، بر مبنای کتاب «المکاسب» شیخ اعظم، شادروان انصاری بود. البته کتاب‌های دیگری از جمله دو دوره کامل کتاب «صلوة» را هم تدریس نموده‌ام. در ۲۷ ربیع الاول سال ۱۳۷۷ هجری، تدریس فروع «العروة‌الوثقی» - تألیف فقیه‌الطائفه، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی - از کتاب «طهارت» را آغاز نمودم. البته قبلاً به یاری خدا کتاب «اجتهاد و تقلید» را تدریس نموده و راه درازی را در آن پیموده بودم، تا این که سرانجام به کتاب «اجاره» رسیدم که تدریس آن را در روز ۲۶ ربیع الاول ۱۴۰۰ هـ آغاز نمودم و در ماه صفر ۱۴۰۱ هـ آن را به پایان رسانیدم. بحث‌های خارج اصول را شش دوره کامل مطرح ساختم. دوره هفتم را به علت تراکم کارهای مرجعیت، در مبحث «ضد» پایان دادم و نتوانستم ادامه بدهم. در ضمن سال‌های پیشین، بخشی از زمان را به تدریس قرآن مجید اختصاص دادم تا آن که شرایط سختی پیش آمد و از استمرار آن بازماندم و به راستی چقدر دوست داشتم که این درس را توسعه و تکامل بخشم و به هر حال خدای را سپاسگزارم که بر من نعمت تداوم تدریس را در طول این سالیان دراز عطا فرمود و من هیچ وقت، مگر در حال ضرورت، مانند مسافرت یا بیماری، آن را متوقف نساختم. مثلاً در سال ۱۳۵۳ هجری به زیارت خانه خدا مشرف شدم و در سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۸ هـ هم به زیارت مرقد امام رضا علیه‌السلام مشرف شدم (که طبعاً مدتی درس‌ها تعطیل گردید). گروهی از شاگردان فاضل من، درس‌های مرا در فقه و اصول و تفسیر، تقریر و به رشته تحریر درآورده‌اند که بخشی از آنها به چاپ رسیده است که فقط فهرست آنچه را که طبع شده است، می‌آورم... من مجموعه تألیفاتی در تفسیر و فقه و اصول و رجال دارم که بعضی از آنها چاپ شده و بخشی هنوز به صورت مخطوط

باقی مانده است. در این جا فقط فهرست آثار چاپ شده را می آورم. (خسروشاهی، ۱۳۷۲: ۴۵-۴۷)

آیت الله خویی پس از ۹۴ سال خدمت و تحمل فشارهای بی شمار از سوی دولت بعثی عراق روز پنج شنبه هشتم صفر ۱۴۱۳ ق (۱۷ مرداد ۱۳۷۱) در کوفه درگذشت و در مسجدالخضراء صحن حرم حضرت علی بن ابیطالب دفن شد.

۵. وقفنامه آیت الله خویی^۱

موقوفه: مدرسه، منازل، کتابخانه، درمانگاه هتل و پاساژ قم، مشهد و اصفهان
واقف: حضرت آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی ابن علی اکبر
تاریخ وقف: ۲۴ صفر ۱۴۰۳ ه. ق

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف على الضمائر والمطلع على السرائر والصلاة والسلام على خير خلقه
و اشرف بریتة محمد و آله الطيبين الطاهرين

اما بعد؛ مخفی نماند آنکه این جانب سید ابوالقاسم، فرزند مرحوم مبرور حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید علی اکبر خوئی - طاب ثراه - وقف صحیح شرعی نمودم مدرسه و منازل قم و کتابخانه قم و مدرسه و کتابخانه و بیمارستان و درمانگاه مشهد مقدس و کتابخانه اصفهان و رز هتل مشهد مقدس و پاساژی که در اصفهان به دستور این جانب تهیه شده است، به موجب تفصیلی که ذیلاً مرقوم می گردد

رقبات مفصله، مصارف و شروط آن:

أ - مدرسه قم و مدرسه مشهد مقدس:

ساکن مدرسه باید طلبه محض و معقم یا متلبس به لباس روحانیت و متدین باشد

۲- ملتزم به قوانین وقفنامه و قوانینی که متولی با در نظر گرفتن مصلحت وقف و

اقتضاء وقف جعل می کند، باشد

۱. این سند از کتاب اسناد موقوفات اصفهان استخراج و تلخیص شده است.



ب - (منازل):

- ۱- این منازل وقف بر طلاب علوم دینی به قرار زیر می باشد:
 - ۲- ساکن باید طلبه متدین و محصل و معقم و مقیم در حوزه علمیه قم باشد.
 - ۳- در قم منزل ملکی نداشته باشد.
 - ۴- ملتزم به مواد وقفنامه و قوانینی که متولی وقف با درنظر گرفتن مصلحت وقف جعل می نماید، باشد
 - ۵- مدت بقاء در این منازل يك سال است، لیکن متولی بعد از انتهای مدت، حق تجدید آن را دارد
 - ۶ - سکنی در این منازل مجانی است ، لیکن متولی در صورت صلاحدید، حق گرفتن مبلغی را از ساکنین دارد مشروط بر آن که این مبلغ از ثلث اجرة المثل تجاوز نماید
 - ۷ - تخلف ساکنین از تطبیق مواد وقفنامه یا قوانینی که متولی با درنظر گرفتن مصالح موقوفه می نماید، موجب سلب حق سکنی می گردد
 - ۸ - متولی در صورت صلاحدید، حق تخلیه منازل را قبل از انتهاء مدت مقرره دارد.
 - ۹ - ساکنین منازل، حق اشتراك غیر خود را بدون اجازه متولی ندارند.
- ج - (کتابخانه مشهد مقدس و کتابخانه اصفهان و کتابخانه قم):
- ۱ - در نشر معارف اسلامی و بالأخص مذهب حقه جعفری اثنا عشری کوشا باشد.
 - ۲ - قوانین اداره کتابخانه و کیفیت در اختیار گذاشتن کتاب را متولی وقف تعیین می نماید.
- د - بیمارستان و درمانگاه مشهد مقدس :
- ۱- این دو عمارت ، وقف بر مصارف و لوازم و تعمیر منازل قم و مدرسه قم و مشهد مقدس و کتابخانه مشهد مقدس و قم و اصفهان و بیمارستان و درمانگاه مشهد مقدس است .
 - ۲- عمارت هایی که در آینده احتمالاً به این دو ضمیمه می گردد ، حکم این دو عمارت را دارد .
 - ۳- درآمد این دو عمارت بعد از اخراج سهم متولها و ناظر اوقاف مذکوره که بعداً در همین ورقه تعیین خواهد شد، باید به نظر متولی وقف صرف گردد

۴- در صورت احتیاج خود عمارت‌ها به تعمیر ، متولی حق دارد تعمیر آنها را از درآمدهایشان تأمین نماید

۵- تعیین کیفیت درآمد و استفاده از این عمارت‌ها با متولی وقف است .

۶- چنانچه در آینده مشروع خیری در ایران از قبل این جانب احداث شود، نسبت به مصارف لازم از موقوفات مذکوره در این ورقه و رقباتی که در آینده برای استفاده موقوفات خیریه خریداری می‌شود، متولیان می‌توانند استفاده نمایند

متولیان وقف

۱- تولیت این اوقاف مادام‌الحیة خودم ، با خود این جانب است و بعد از وفات این جانب در درجه اول با نور چشمی حجة‌الاسلام سید جمال و نور چشمی ثقة‌الاسلام سید محمد تقی و حجة‌الاسلام سید جلال فقیه ایمانی علی نحو الاشتراك میباشد. و در صورت فقدان یا استعفای یکی از این سه نفر ، دو نفر باقیمانده علی نحو الاشتراك متولی خواهند بود و با فقدان یا استعفای یکی از دو نفر شخص باقیمانده با يك نفر احقّ از درجه دوم علی نحو الاشتراك متولی خواهند بود

درجه دوم: دو نفر از اکبر اولاد ذکور صلبی این جانب مشروط بر این که اهل علم و متدین و صالح باشند

درجه سوم : دو نفر از اکبر احفاد این جانب – اولاد ذکور از اولاد ذکور این جانب طبقه بعد طبقه و نسلأ بعد نسل ، مشروط بر این که اهل علم و متدین و صالح باشند

درجه چهارم : دو نفر از اکبر اسباط – اولاد ذکور از اولاد اناث این جانب، طبقه بعد طبقه و نسلأ بعد نسل، مشروط بر این که اهل علم و متدین و صالح باشند درجه پنجم : در صورت انحصار ذریه اهل علم واجدالشرائط این جانب از جمیع طبقات متقدمه ، به يك نفر مرجع اعلاى شیعه وقت یکی از اولاد غیر اهل علم و متدین و صالح این جانب را با مراعاة طبقات مذکوره فوق به او منضمّ منماید و این دو با هم علی نحوالاشتراك متولی خواهند بود

و در صورت انقراض اهل علم از ذریه این جانب (لا سمح الله) مرجع اعلاى شیعه وقت، دو نفر از اولاد غیر اهل علم این جانب را مشروط بر این که متدین و صالح باشند به ضمیمه يك نفر از اهل علم متدین و صالح را برای تولیت تعیین مفرماید و این سه (۳) نفر علی نحوالاشتراك تولیت اوقاف را عهده‌دار خواهند بود



و در صورت انقراض ذریه این جانب یا فقدان متدین و صالح در آنان - (العیاذ بالله) - مرجع اعلای شیعه وقت دو نفر از آقایان اهل علم متدین صالح را به عنوان تولیت تعیین می فرماید.

۲- متولی در هر طبقه ای به استثناء درجه اول و صورت انقراض اهل علم از ذریه اینجانب، دو نفر خواهند بود و اما در خصوص این دو صورت استثناء شده، متولی (به نحو مذکور در فوق) سه (۳) نفر خواهند بود

۳- در صورتی که در طبقه سابقه، بیش از یک نفر واجدالشرايط نباشد، یکی از واجدین شرائط طبقه بعدی به او منضم خواهد شد

۴- در صورتی که یکی از متولیان درجه اول در ضمن دو متولی وقف نباشد، مرجع اعلای شیعه وقت، ناظری بر متولیان وقف تعیین می فرماید

۵- در صورت اختلاف بین سه متولی درجه اول، رأی اکثریت آنان لازم الاجراء است و در صورتی که رأی دو نفر از آنان بر امری قرار نگیرد، رأی مرجع اعلای شیعه وقت، لازم الطاعة می باشد

۶- در صورت اختلاف بین سایر متولیان بعد از درجه اول، رأی موافق با رأی ناظر، لازم الاجراء است و در صورت عدم اتفاق هیچ يك از آنان با ناظر، حکم مرجع اعلای شیعه وقت، لازم الامتثال است

۷- در صورت اختلاف بین دو متولی که یکی از درجه اول و دومی از درجه دوم فما بعد باشد، باز مرجع حل اختلاف، مرجع اعلای شیعه وقت است.

۸- متولی در هر طبقه، حق تنازل از تولیت خود را دارد.

۹- اگر متولی از قیام به واجبات خود در شؤون وقف مباشرة و بالواسطه امتناع ورزید، از تولیت معزول و تولیت به احق بعد از او منتقل می گردد

۱۰- اگر تولیت در نتیجه نبودن واجدالشرايط در طبقه سابق، به طبقه لاحق منتقل شد و بعدا واجدالشرايطی در طبقه سابق پیدا شد، تولیت به واجدالشرايط سابق منتقل می شود

۱۱- ناظر بر وقف يك درصد درآمد موقوفات را مستحق است.

۱۲- متولیان درجه اول هر يك پنج درصد ارباح را و اما متولیان سایر طبقات اگر از اهل علم ذریه این جانب باشند، هر يك از دو متولی چهار و نیم درصد از درآمد موقوفات را مستحق است که به انضمام يك درصد حق ناظر، مجموعا ده درصد ارباح را خواهند گرفت. و اگر از ذریه غیر اهل علم این جانب باشد، هر يك از آن دو متولی و اهل علمی

که مرجع اعلاى شيعه به عنوان متولى تعيين مى فرمايد، سه (۳) درصد که به انضمام يك درصد حق ناظر، مجموعاً ده درصد را مستحقند

و اگر - العياذ بالله - ذريه اين جانب منقرض يا در آنان صالح و متدين نباشد، برای هر يك از دو اهل علمى که مرجع اعلاى شيعه وقت، به عنوان متولى تعيين مى فرمايد سه (۳) درصد که به انضمام يك درصد حق ناظر، مجموعاً هفت درصد ارباح را مستحقند.

۱۳- شروطى در اين وقفنامه ذکر شده شامل مشاريع و عمارت‌هاىی که بعد از اين تاريخ احتمالاً خريدارى و وقف مى گردد، نیز هست.

۱۴- اين جانب فقط شخصاً مادام‌الحياة نسبت به شروط و ضوابط وقفنامه، به هر نحوى که مصلحت بدانم حق تغيير آن را دارم.

۱۵- هرگاه مسوّغات بيع در يکى از اوقاف مذکوره حاصل شود، بيع آن موقوفه و صرف بدلش در خريد مماثل آن موقوفه و در صورت عدم امکان خريد مماثل، صرف در اقرب فالأقرب بايد به نظر و صلاحيد مرجع اعلاى شيعه وقت باشد

۱۶- جناب حجة الاسلام آقای حاج سيد جلال فقيه ايمانى از قبل اين جانب وکيلاند که اوقاف مذکوره را با شرائط و تفصيلی که در اين ورقه ذکر شده است در ادارات مربوطه رسماً به ثبت برسانند. و همچنين وکيلاند آنچه از رقبات و اعيان برای اين اوقاف در آتیه خريدارى مشود، به نحو مرقوم در اين ورقه و طبق همين شرائط و ضوابط، در ادارات مربوطه رسماً به ثبت برسانند

۲۴ شهر صفر الخير ۱۴۰۳، ابوالقاسم الموسوى الخوئى.

۶. تحليل محتوای وقفنامه

بررسى وقفنامه آيت‌الله خويى به عنوان مرجع جهان تشيع، مى‌توان الگوى مناسب جهت ايجاد موقوفات در تمدن اسلامى قرار گيرد. در وهله اول آنچه در نگارش وقفنامه به چشم مى‌خورد، برخلاف وقفنامه‌هاى پادشاهان و امرا و وزار، تعريف و تمجيد و تملق واقف اصلاً وجود ندارد و فقط به نام واقف و نام پدر ايشان کفايت شده است

دوم آن که نيازسنجى زمانه به خوبى صورت گرفته و برای شهرهاى همچون اصفهان و قم و مشهد، که پايگاه‌هاى علمى و تربيت دینى در آن دوران بوده وقف صورت گرفته است. سوم آن که کثرت رقبات اين موقوفات به گونه‌اى است که مى‌توان گفت در زمان



خود از بزرگترین موقوفات به شمار می‌رفته که این موضوع نیز در مورد این وقفنامه اگر
نگوئیم بی‌نظیر است، کم‌نظیر می‌باشد و مهم‌ترین نکته نیز آن است که واقف سعی
بر آن داشته که نیازهایی را که جامعه اسلامی در این شهرها را با کثرت موقوفات تا حدی
برطرف نماید. تنوع موقوفات نیز امری است که از ویژگی‌های بارز این وقفنامه بشمار
می‌رود.

نتیجه‌گیری

ایجاد موقوفات در تمدن اسلامی امری پیش‌ران بوده تا جایی که می‌توان ادعا کرد که اگر فرهنگ وقف و ایجاد موقوفات نبود، رشد امروزی تمدن اسلامی را شاهد نبودیم و زمینه‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی رقم نمی‌خورد.

در این بین از طرف حاکمان و امرا به دلیل این‌که منابع مالی گسترده در اختیار داشتند و از طرفی نیاز به مشروعیت حکومت خود از سوی جامعه اسلامی داشتند، موقوفات بسیاری شکل گرفته است که نه تنها وجود کتیبه‌ها در این اماکن موقوفات، این عمل شاهان را بیان می‌کند، بلکه حجم عمده‌ای از مطالعات و پژوهش‌های که در مورد وقف و موقوفات انجام شده نیز پیرامون موقوفات ایشان است. در این بین آنچه متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده، موقوفات عالمان و مراجع دینی است.

این مقاله با استفاده از منابع اسنادی و مطالعه کتابخانه‌ای به وقف‌نامه آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، به عنوان یکی از مراجع واقف در جهان تشیع پرداخت و بیان نمود که در بین عالمان نیز، موقوفات عظیمی شکل گرفته است ولی به دلایلی که بیشتر بحث ثواب اخروی برای واقف می‌باشد کمتر از این موقوفات صحبت به میان می‌رود.

به نظر می‌رسد متولیان امر باید بنیاد پژوهش‌های موقوفات را ایجاد نماید و در راستای شناسایی این گونه موقوفات که حاصل تدبیر و زمانه‌شناسی عالمان در تمدن اسلامی است بیشتر اهتمام ورزند تا بدین‌سان نه تنها زحمات این عالمان برای نسل جدید روشن شود، بلکه الگودهی خوبی برای مسیر رو به رشد تمدن نوین اسلامی نیز ترسیم گردد.



کتاب نامه

- احمد، زهت (۱۳۸۹). **وقف و گسترش امور درمانی با تکیه بر اسناد وقفی تهران**، تهران: آوای امید.
- اشکوری، سید صادق (۱۳۸۵). **اسناد موقوفات اصفهان**، اصفهان: اسوه.
- جعفریان، رسول (۱۴۰۱). **مقالات و رسالات تاریخی**، ج ۱۱، تهران: علم.
- جعفریان، رسول؛ جزینی، رسول (۱۳۹۷). **وقف نامه های کتاب صفوی**، قم: نشر مورخ.
- حسینی جلالی، محمد حسین؛ امینی، عبدالله (۱۳۸۱). «کتاب و نگارش در اسلام»، **نشریه میراث شهاب**، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۸۱.
- خسروشاهی، هادی (۱۳۷۲). «ترجمه زندگی نامه خودنوشت آیت الله سید ابوالقاسم خویی»، **فصل نامه تاریخ و فرهنگ معاصر**، شماره ۵، تابستان ۱۳۷۲.
- رفیعی، علی (۱۳۷۳). «نگاهی به وقف کتاب در تمدن اسلامی»، **فصل نامه وقف میراث جاویدان**، شماره ۸ زمستان ۱۳۷۳.
- سجادی، سید احمد (۱۳۸۹). «عالمان واقف»، **فصل نامه وقف میراث جاویدان**، شماره ۸۰ تابستان ۱۳۸۹.
- طباطبایی، سید مصطفی (۱۳۹۱). «بررسی روند وقف در بیمارستان های اصفهان از انقلاب مشروطه تاکنون»، **پایان نامه کارشناسی ارشد** گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.
- طباطبایی، سید مصطفی؛ عادل، غلامرضا (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر واعظان مجالس حسینی بر ایجاد وقف در گسترش مراکز خدمات درمانی»، **فصل نامه وقف میراث جاویدان**، شماره ۱۱۸ تابستان ۱۴۰۰.
- کراچی، محمد بن علی (۵۱۴۱۰ق). **کنز الفوائد**، محقق و مصحح، عبدالله نعمة، ج ۲، قم: دارالذخائر.
- کسایی، نورالله (۱۳۶۳). **مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن**، تهران: امیرکبیر.
- محمدزاده، محمد (۱۳۹۲). **موقوفات الرجال**، ج ۱، قم: دفترانتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
- مدیرشانه چی، کاظم (۱۳۴۶). «نقائس مخطوطات کتابخانه مدرسه نواب»، **نامه آستان قدس**، شماره ۲۵، فروردین ۱۳۴۶.